

عالمان پارسا در خاندان انزابی

حسین انزابی

شایسته، بلکه ضروری است بزرگ داشت آن‌هایی که با اخلاص به پیش‌گاه ذات اقدس اله و محبت و ارادات به بارگاه فخر کاینات و اهل بیت او، زندگی‌شان را در تقه در دانش قرآنی و معارف اهل بیت عصمت علیهم السلام سپری نموده در خدمت به مردم، شمع محفل عاکفان و فانوس راه سالکان گشته هادیان به جاودانگی و حیات طیب شده‌اند.

از این ویژگی‌ها پروردگان سرزمین آفتاب تابان و دشت پر برکت انزاب^۱ و رشد یافتگان در بارگاه معالی علوی و سینای کریمه‌ی ولوی یعنی نجف اشرف و قم مقدس، خانواده‌ای که در صد و بیست سال اخیر بلکه به لحاظ عالمان دینی در سلسله‌ی سه صد سال گذشتگان هم در سرزمین عتبات عالیات و هم در آستان مشهد الرضا و هم در حوزه‌ی علمیّه‌ی قم و در دارالمؤمنین تبریز منشأ فیض و برکت و مبشر جنبش و حرکت بوده‌اند، یعنی: آیت الله حاج شیخ مرتضی چهرگانی انزابی و دو فرزندش آیت الله حاج شیخ عبدالحسین غروی و حاج شیخ محمد حسین انزابی، که رحمت و مغفرت خدا به روحشان باد!

آیت الله شیخ مرتضی چهرگانی انزابی

تولد معظم له در سال ۱۲۹۳ هجری قمری، برابر با ۱۲۵۲ شمسی بوده است و آنگونه که از یادداشت‌های پدرشان «آقا علی» معلوم می‌گردد، اجداد حاج شیخ مرتضی، یعنی سلسله‌ی پدری وی بیش از دو نفر، از

۱. انزاب سرزمینی در شمال غربی تبریز آذربایجان، یکی از بخش‌های حاصل خیز و پر نعمت منطقه است انزاب واژه‌ای ایرانی شرقی است پیشوند zāb + an همانی که در واژه‌ی زابل zāb + zāb + an پسوند ۰۱ متجلی است یعنی سرزمین آفتاب تابان آب‌های جاریش، و تسمیه‌ی منطقه‌ای در سرخس خراسان شمالی و استان اردبیل و سراب آذربایجان شرقی، بیان‌گر بخشی از معنای وسیع واژه‌ی مورد نظر است.



علمای نجف بوده‌اند و به مناسبت علاقه به منطقه‌ی انزاب از نجف اشرف به سرزمین مألوف اجدادی برگشته، مشغول تعلیم و ارشاد شده‌اند. اساساً، این خاندان قریب به سه صد سال است که مفتخر به کسوت روحانی‌اند و جد بزرگ [جد بزرگمان] امام جمعه‌ی خامنه (شهر خامنه، در همین منطقه) بوده است و پس از ایشان، فرزندان، نسل به نسل، عالمان دین بوده‌اند.

آیت الله آقا شیخ مرتضی پس از گذراندن دوره کودکی، مدتی در محضر پدرش تلمذ کرده، برای ادامه‌ی تحصیل پنج سال در شهر خوی ماندگار شده، آن گاه به حوزه‌ی بزرگ علمیه‌ی تبریز روی می‌آورد - حوزه‌ای که در آن روزگار استادان بزرگ هم چون مرحوم آیت الله سید ابوالحسن انگجی و میرزا حسن مجتهد ملجأ و مرجع بوده‌اند.

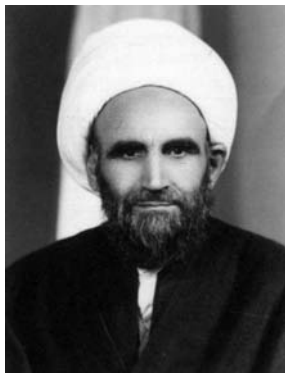
حاج شیخ مرتضی، پس از اتمام دروس سطح در تبریز، جهت تکمیل تحصیل به نجف اشرف مهاجرت می‌نماید و نوزده سال در آستان مقدس امیرمؤمنان علیه آلاف التحية، اقامت نموده در فقه و اصول به مراتب والای علمی می‌رسد و با اخذ مدارک اجتهاد از استادان نامی حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، به تبریز مهاجرت نموده و در همین شهر به تدریس و ارشاد و هدایت مشغول می‌گردد. از اساتید آن بزرگوار در نجف اشرف می‌توان حضرات آیات: آقا سید کاظم یزدی، آخوند خراسانی، شریعت اصفهانی، شیخ هادی طهرانی و شیخ باقر اصطهباناتی را نام برد.

ایشان، که زندگی پویسته قرین زهد و تقوا بوده است در سال ۱۳۸۱ قمری برابر با ۱۳۴۰ هجری شمسی پس از ۸۸ سال زندگانی پر برکت، دار فانی را وداع می‌کنند.

میراث علمی اجتهادی مرحوم حاج شیخ مرتضی، تألیفات و تقریرات و تحریراتی است که به برکت حضور در حوزه‌های درسی آیات عظام و کسب فیض از محضر استادان حوزه‌ی نجف اشرف به رشته تحریر درآورده است.

برخی از تألیفات و تقریرات ایشان عبارتند از:

- فی الخلل الواقع فی الصلاة
- فی صلاة المسافر
- فی الخيارات
- کتاب القضاء
- رساله فی علم الاصول
- شرح بر قطع و ظن مکاسب شیخ مرتضی انصاری
- رساله فی المعارف الخمس (اصول دین)
- تقریرات درس شیخ الشریعه اصفهانی، کتاب الوصایا، منجرات مریض
- تقریر درس شیخ هادی طهرانی، صوم و ...



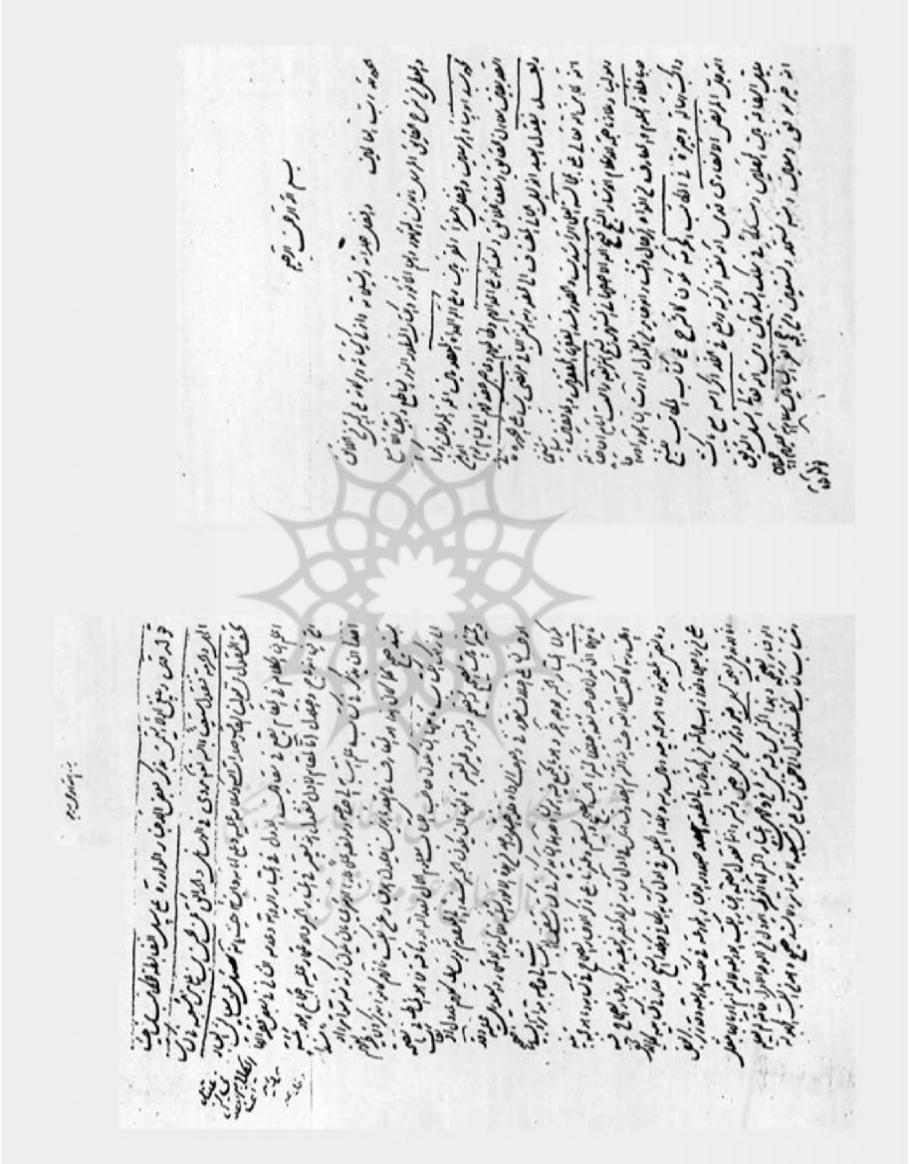
آیت‌الله شیخ عبدالحسین غروی

آن بزرگوار در سال ۱۳۲۸ هجری قمری [۱۲۸۶ شمسی] در جوار قبر مولی امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام تولد یافته بود. او، در مدرسه‌ی علوی که هیأت علمای نجف در آن روزگاران در این شهر و کربلا و کاظمین ایجاد کرده بودند، آموزش ابتدایی را سپری نموده، سپس به تحصیل در علوم دینی می‌پردازد. یعنی قوانین را در خدمت آقا شیخ حسن [تنها مدرس قوانین]، مکاسب را در خدمت مرحوم شیخ ابوالحسن مشکینی، جلد اول کفایه را در خدمت آقا محمد باقر زنجانی، استفاده می‌کند. وی برای دیدار پدر عزم تبریز می‌کند، اما بعد از ورود به ایران، با بستن مرزها و منع بازگشت ایرانی‌ها به عراق، به دستور رضاخان، رو به رو گشته، چند صبحی در تبریز ماندگار می‌شوند.

در این فرصت به دست آمده، حاج شیخ عبدالحسین غروی، موفق می‌شود در بحث ارث مرحوم آیت الله سید ابوالحسن انگجی که از فحول فقیهای عصر و مرجع علمی و ملجأ مردم مؤمن و متدین خطه‌ی آذربایجان بویژه تبریز بود، شرکت کند و آنگاه (در سال ۱۳۱۰ شمسی) به قم مقدّس مشرف می‌شود. در چنین هنگامه‌ها، آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حایری یزدی، که از سال ۱۳۰۰ شمسی به حوزه‌ی قم هجرت نموده، مرجعیت عامّه در انجام دستورات الهی نصیب وی گشته بود و با این که، متأسفانه کشور دچار مصیبت سیطره‌ی اجابت در امور مملکتی و زمینه‌های تحکیم سلطنت رضاخان پهلوی بود، محضر حاج شیخ در پرتو اخلاص پناه‌گاه محبان فقه جعفری علیه‌السلام بوده است.

از سویی، این ایام مصادف بود به این که مدرس نامی آیت الله العظمی سید محمد حجت کوه‌کمری بر اثر اختلال وضع مزاجی و توصیه‌ی پزشکان، از نجف اشرف هجرت نموده در شهر مقدّس قم رحل اقامت افکنده بود (۱۳۰۸ شمسی). در این دوران سخت که مجدد حوزه یعنی حاج شیخ با صبر سیاسی و دوراندیشی، علما و فقها و مردانی مجاهد و مبارز را برای آینده‌ی پیروز ایران اسلامی تربیت می‌نمود، آیت الله غروی به جمع یاران که هم‌چون پروانه برگرد این چراغ بر افروخته‌ی فقاقت و عرفان حلقه زده بودند، می‌پیاموندند. و در مدرسه‌ی فیضیه در حجره‌ای، مقیم می‌گردد. چون جلد دوم کفایه را در خدمت مرحوم میرزا محمد همدانی به پایان می‌برند به حلقه‌ی درسی آیات عظام حاج شیخ و حجت، می‌پیوندند. همچنین در جلسات درس ملل و نحل آیت الله العظمی حجت، که در شب‌های پنج‌شنبه، برگزار می‌گردید، حاضر می‌شوند.

بنا به گفته‌ی آیت الله غروی، بزرگان جمع مُعتَصِم به شمع وجود حاج شیخ، یازده نفر بودند از جمله: رهبر کبیر انقلاب اسلامی آیت الله العظمی امام خمینی، آیت الله العظمی صدر، حاج سید محمد باقر ابوترابی، آیت الله سید محمود طالقانی و خود ایشان و ... رحمه الله علیهم اجمعین، که در این شهر علم و فضیلت ماندند و همه‌ی مشکلات و دربه‌دوری را تحمل کردند تا قم بماند و وضع حوزه از هم نپاشد. یکی از کارهایی



تقریرات درس آیت الله شیخ فتح الله اصفهانی به قلم آیت الله شیخ مرتضی چهره گانی

که رضاخان در جهت حذف روحانیت بدان اقدام نمود گواهی جواز لباس بود، یعنی براساس نیات پلیدش، دستور داد از روحانی‌ها امتحان بگیرند. و هرکس که قبول می‌شد کارت ویژه‌ای دریافت می‌نمود که مجاز به پوشیدن لباس می‌بود. و چون دید با امتحان و فشارهای دیگر، راه به جایی نمی‌برد، دستور داد که در قم هفت نفر معمم، بیش‌تر نباید باشد.

آیت الله غروی می‌گفتند که، با این خبر ناراحت شدیم و به آیت الله حائری، که در بیرون شهر به سر می‌بردند پناه بردیم. مرحوم آقا سید محمود طالقانی با ناراحتی، خطاب به حاج شیخ عرض کرد.. ما را در چنگ دژخیمان انداخته‌اید. مرحوم حاج شیخ به آیت الله غروی رو می‌کند و می‌گوید: «چه عجب از پدر پیرتان دیدن کردید» عرض می‌شود که در قم فشار بر طلاب زیاد است....

حاج شیخ می‌فرماید: «طلاب نباید از قم بروند و سنگر را خالی کنند» و ...

بالاخره، با رحلت حاج شیخ (۱۳۱۵ شمسی) روزگار تاریکی پیش آمد اما خداوند لطف کرد و حوزه به همت آیات ثلاث [حجت، صدر، خوانساری] از گزند حوادث مصون ماند و از طوفان بنیان افکن، نجات یافت.

پس از اخراج رضاشاه پهلوی از ایران در سال ۱۳۲۰ شمسی، فرصتی به دست آمد تا بزرگان و اندیشمندان حوزه، نفسی تازه کنند، از این رو، آیت الله غروی، در بهار سال ۱۳۲۱ شمسی از قم به تبریز مهاجرت کرد و در تبریز با توجه به منزلت خانوادگی و نیز مقام علمی و پایه‌ی فقه‌تشان، نه تنها مورد استقبال علما و بزرگان شهر قرار گرفت، با تنظیم برنامه‌ی درسی و برگزاری جلسات درس و وعظ، متوجه مسئولیت دیگری شد و آن این که، سال‌ها بود که احمد کسروی سر برآورده و حرف‌هایی می‌زد و مطالبی درباره‌ی مسائل تاریخی و اعتقادی می‌نوشت و با دین در افتاده بود. از این رو، مرحوم آیت الله غروی، جلسات درسی ویژه‌ای در قالب تفسیر قرآن، به طرح مباحث اصولی و به ردّ شبهات مطرح شده که در واقع مناظره‌ی غیرمستقیم با این فرد منحرف بود، پرداخت که بعدها، این مباحث و درس‌ها در کتابی به نام «اسلام و شیعه» چاپ و منتشر شد (چاپ اول، مرداد ماه ۱۳۲۵ تبریز). آیت الله غروی، با شروع نهضت اسلامی از بهمن ماه ۱۳۴۱ شمسی با سخن‌رانی رهبر کبیر انقلاب در فیضیه قم، که در خرداد ماه ۱۳۴۲ نقطه‌ی عطفی یافت در صف مقدم قرار گرفت و با بزرگانی هم‌چون مرحوم آیت الله العظمی میلانی و علمای مبارز آذربایجان، در ارتباط بود تا که دو یار دیرین و هم نفس دوران غربت و تنهایی، بویژه در عصر حاج شیخ عبدالکریم، پس از سال‌ها هجران و دوری، با ورود امام خمینی به ایران در دوازدهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷، به هم رسیدند!



شهید آیت‌الله مدنی، آیت‌الله فلسفی، آیت‌الله غروی

جایگاه علمی فقه‌پژوهی

براساس اجازه نامه‌هایی که از سوی آیات عظام، مراجع و فقه‌های عالم تشیع بویژه نجف و قم که مبنی بر رابطه‌ی تنگاتنگ علمی وی با حضرات بود به ایشان اعطا شده است. مقام شامخ علمی ایشان، محرز و موقعیت برجسته‌ی فقه‌پژوهی‌شان، مورد تأیید بزرگان عصر بوده است به طوری که زعیم بزرگوار آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، طی اجازه‌ی اجتهادی که به آیت الله غروی صادر می‌نماید از ایشان با عنوان «عَلَمُ الاعلام، مَرُوجُ الاحکام، ثِقَّةُ الاسلام و قَرَّةُ العین» یاد می‌کند و بزرگوار دیگر یعنی آقا ضیاء عراقی که هم درس پدر آقای غروی در محضر آخوند خراسانی بوده در متن اعطایی دانش‌نامه‌ی اجتهاد به ایشان با عبارت «العالم العلام ثِقَّةُ الاسلام و صفوة العلماء العظام الورع التقی» دانش و تقوای وی را تأیید می‌نماید و نابغه‌ی دهر، فقیه بزرگوار آیت الله العظمی حجت کوه کمری در تأیید از مقام علمی آیت الله حاج شیخ عبدالحسین غروی و ارتقاشان به مدارج فقه جعفری، اینگونه بیانی دارد:

«جناب العالم العامل و العليم السّلام والفاضل الكامل و البدر التّمام، علم الاعلام صاحب الفضل الجلی ... فقد جَدَّ و کَدَّ و تعبَّ و اجتهد حتّى ... فاز المرتبة العالیة من الاجتهاد».

اجازات

أ - دانش نامه‌های اجتهاد که از دست مبارک عالمانی چند دریافت کرده‌اند:

۱. مرجع بزرگ آیت الله العظمی حجت کوه کمری

۲. آیت الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی

۳. آیت الله العظمی سید محسن طباطبائی حکیم

۴. آیت الله العظمی سید عبدالهادی حسینی شیرازی

۵. آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی

ب - اجازه نامه‌ها در امور حسیبه که از بزرگان مراجع دریافت کرده‌اند:

۱. آیت الله العظمی حجت کوه کمره‌ای

۲. آیت الله العظمی سید ابوالحسن موسوی اصفهانی

۳. آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی قمی

۴. آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی

۵. آیت الله العظمی سید محسن طباطبائی حکیم

۶. آیت الله العظمی سید عبدالهادی حسینی شیرازی

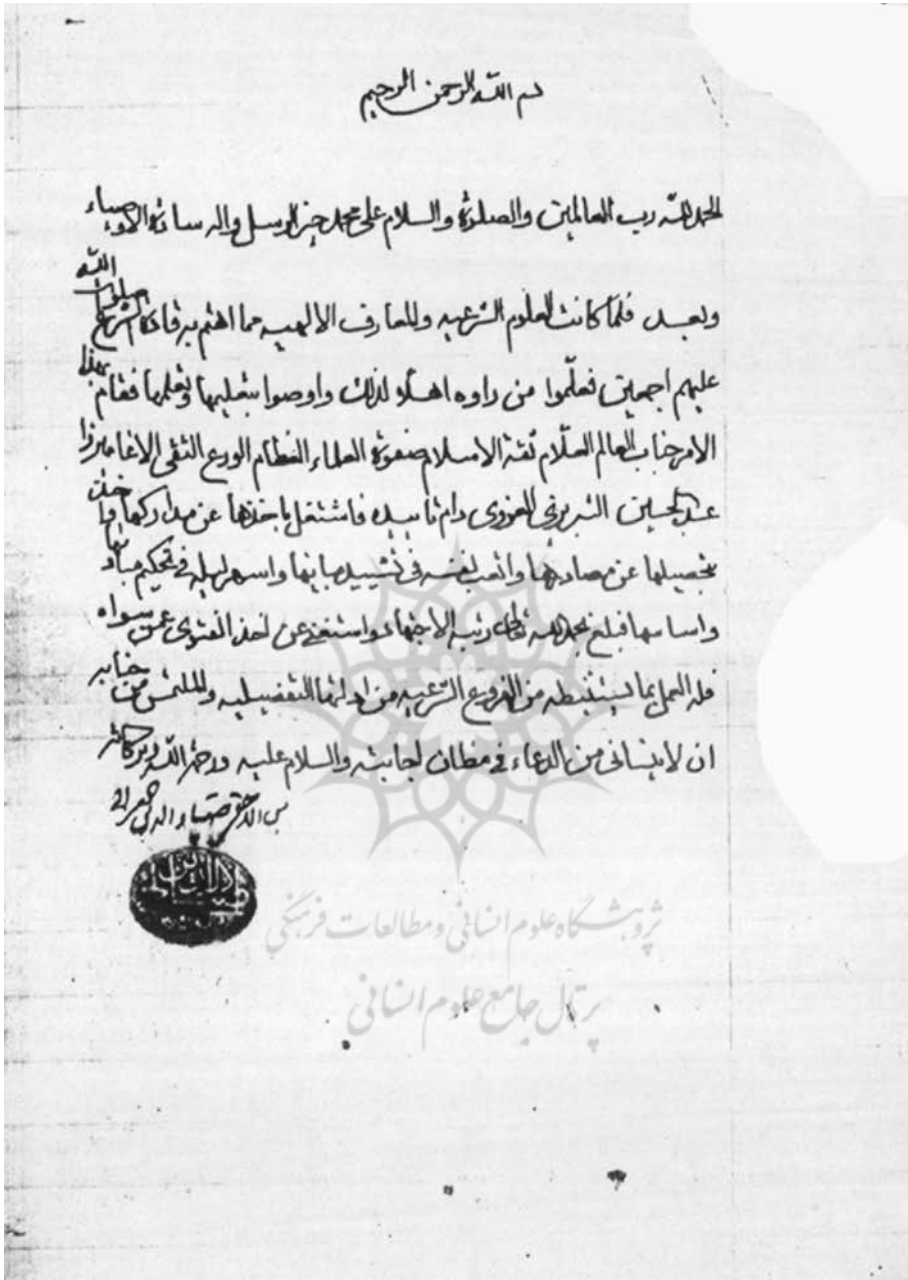
۷. آیت الله العظمی سید محمد رضا موسوی گلپایگانی



انزایی،

غزوی،

شهید قاضی



اجازة اجتهاد آیت الله ضیاء الدین عراقی به آیت الله غروی

بسم تم عالی شأنه

الهدى رب العالمين وصلّى على سيدنا محمد خاتم النبيين وخلفائه الأئمة الهداة
 المهديين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين اليمين الدين وبعد فلما تكلم جناب
 مستطاب عباد الأعلام حجة الإسلام مدد الأمام آماي آمايو زاعبد الحسين
 غروي است بكانه جامع كالات صورية ومعنوية وفصائل تفسير وملكات
 فاضلة ومقامات علمية انهم حجت من باعظام وقد برهنا بشاهد عقلا وبرا
 فضول تقوى خطه واوعى شريفه خرد ودر شرا نردون خفيف دعوى محمود
 مشاير الهية كذا نذ لدا از قبل انجاس مجاز وما نوقر هيا شدة تصديق
 كلية امور ضعية كبحاج باذن واحاذه بجهت جميع الشرائط است تمام
 تم از انصاف صالح وصفا ربدون ولى وتوكيد اموال شته واخذ جره وشه
 از قبل سهم سادان از خردى كره وظالم وجمهورك المالك وغيرهما و صرف اجازده
 موارد مقررده شرعية واذن بصرف ان ووستكر ان محمودن ودر ضمن
 عليه الخردون با در ضمن صلح كمنه جا بدهند وبعينطور و مجازيد در
 قبض خصوص بهم ساوكل امام رضى اوج العالمين له الفداء و تصرف نصف
 ان و صرف اذن نصف در وورد مستحقة از قبل محسولين مع ساو اذن فقير متدين
 و غير اجهاز فقرا مسلمين و بمقدار كانه و در مصادف شخص خرد با و عابت
 احتياط و اتصال نصف كره با با مجازيد او صيه فقير و كانه و عابت
 الاحتياط و ان لا يداى من صالح العوائد كالى ان شاء الله والى الله
 مؤمنين و فقهم لهم فى المراضية نعمه جود شريف انبار المعتم شرد و در تنظيم
 واستفاده از ميانا و اوقافنا بموافقة شافيه شافيه و غير اهدى و روى
 عليه السلام و رحمه الله و بركة هـ جمادى الاولى ١٣٢٠ هـ
 ١٣٢٠ هـ جمادى الاولى ١٣٢٠ هـ




اجازه امور حسبيه آيت الله عبدالحسين شيرازى به آيت الله غروي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على خاتم النبيين وآله الأئمة الطاهرين واللعنة على أعدائهم أجمعين
و بعد نظر بانيله حضرت مستطاب ملاذ الانام عمدة العلماء والعظام فقه الاسلام والمليخ افغانيا ميرزا
عبدالحسين تبريزي غروي ذات بركانه مدق عمر شريف خود را بذل در تحصيل علوم شرعيه ارفقه
واصول ومعقول غوره اندولله الحمد بتمام شامخ از علم مفرودنا بالفتوى والصلاح والاخلاق الحسنه
والصنات الحموده نامل كرديده و باوصف زحمات زيادى در فقاهايت از قبل انجذاب بجزايديا
در تصدى بامور حسيبه وانچه موقوف بازن فقيهه و بجهت جامع الشرايط است هسند وايضا بجا
وماذون هسند در اخذ و قبض سهم امام عليه السلام و دست كردن كردن و قرضى دادن بجهت عليه
الحق كه ندي بجا بدهد و بجزايديا هسند در صرف ان بمقدار متعارف در معاش خودشان و ابصال بجزايديا
لازمه از قبل طلاب علوم دينيه و مروجين شرع انور حاد است اكرام و فقراء و ابصال باقى با انجذاب بجزايديا
اخاصه حوزة عليه و همچنين ما ذونند در اخذ و قبض مجهول المالك و بفظالم و دست كردن غورين و قرض
دادن بجهت عليه الحق و صرف انها بطور متعارف در معاش خودشان و ساير موارد بديده در صرف سهم امام
عليه السلام ذكر شد و لذلك ما ذونند كه بجهت عليه الحق ام از سهم امام عليه صلوة و سلام و مظالم
و مجهول المالك اجازة بدهند كه بجاورد بذكره خاصه صرف نمايند البته مؤمنين و وجود محرمات
معتم شمرده و از مقام علم و فتوى و اخلاق حسنه معظم له استفاضة غوره و اميد لازم كه انجذاب با
از دعائى خير فراموشى نفرمايند كه انيله انجذاب بجزايديا انرا فراموشى خود اتم خود اشاء الله تعالى
والله سبحانه ولى التوفيق وهو حسبا و نعم الوكيل

۱۲۷۲
۲ ع ۱۸

مولى الطاهر
الحق



پيام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ / پائيز ۱۳۸۸

اجازة امور حسيبه آيت الله حكيم به آيت الله غروي

بسم الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد
 وآله الطيبين الطاهرين من بعد الانبياء والمرسلين
 أما بعد فقد بلغنا من فضلكم ما جعلناكم فيه
 من أمة متميزة بصفاتكم الحميدة والصفات
 التي جعلناكم فيها خير أمة أخرجت للناس
 وقد عرفتموه بالعرف وبغير العرف وبغير
 العرف وبغير العرف وبغير العرف وبغير العرف
 وأوصيتم به أوصيتم به في النظم وبأبيته
 فأنتم سيرة النبي والرفيقان الذين
 وهمدم عليه ورحمة الله وبركاته
 الاقوال الواسع الملوس
 الاصولات

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۰، ۲ ش / ۵ / پائیز ۱۳۸۸


اجازه اجتهاد آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به آیت الله غروی

باقیه از تحریر محمد علی انزلی در علم الادب و فیاض و فضل و کرم علی الله الشهدا
 و افضل صلوات و تحیات علی سید مراد و اهل بیت المعصومین الاصفیاء بعد
 فان افضل القراء و اشرف المناقب هو العالم الذی یتمتع بفضله القاص
 و اخذ التصبیح الاوفی و صرح فی شرحه و ان فی شایب تحصیل و تکمیل و الاضطرار
 مدخلی فی العالم العام و العیلة العلم و الفاضل العام و البتة انما العلم الا
 صواب الفضل العالی و النسب العلمی کما ان وضع النعمان علی العلم
 العلیة و العلیة علی العلم و العلیة علی العلم و العلیة علی العلم و العلیة علی العلم
 من اجل الحسنة العریة التی هی العلم العالی و کثیر الفضل من جمله فقد
 و کن و تعب و اجتهاد حتی فاق القراء و اصحاب الفضل و اهل البیت و العیلة
 بالتحقیق الاثنان و التفریق و الامتصاص خیرا منها المسائل المقدیة الامتیة
 بصیرة فی المباحث الحقیقة النظریة و فیها یبلغ المراد من المقدیة التی
 من الاجتهاد و ما یستلزمه العمل بالبیان و فیها من القوة و لیس کما یقال
 علی هذه العتیة و لیس یقتضیها الاشارة السلیمة و هی المقدیة و تعلم
 الطلاب و المحصلین و اقامه شعاع الذی یسئل الله عن ان یجعل من
 الذی یؤتی به شرع سید السالین و اهل ان لا یسئل الله عن الذی
 الصالحات کل الایام انشاء الله تبارک و تعالی
 الاقر محمد العینی الکرکری



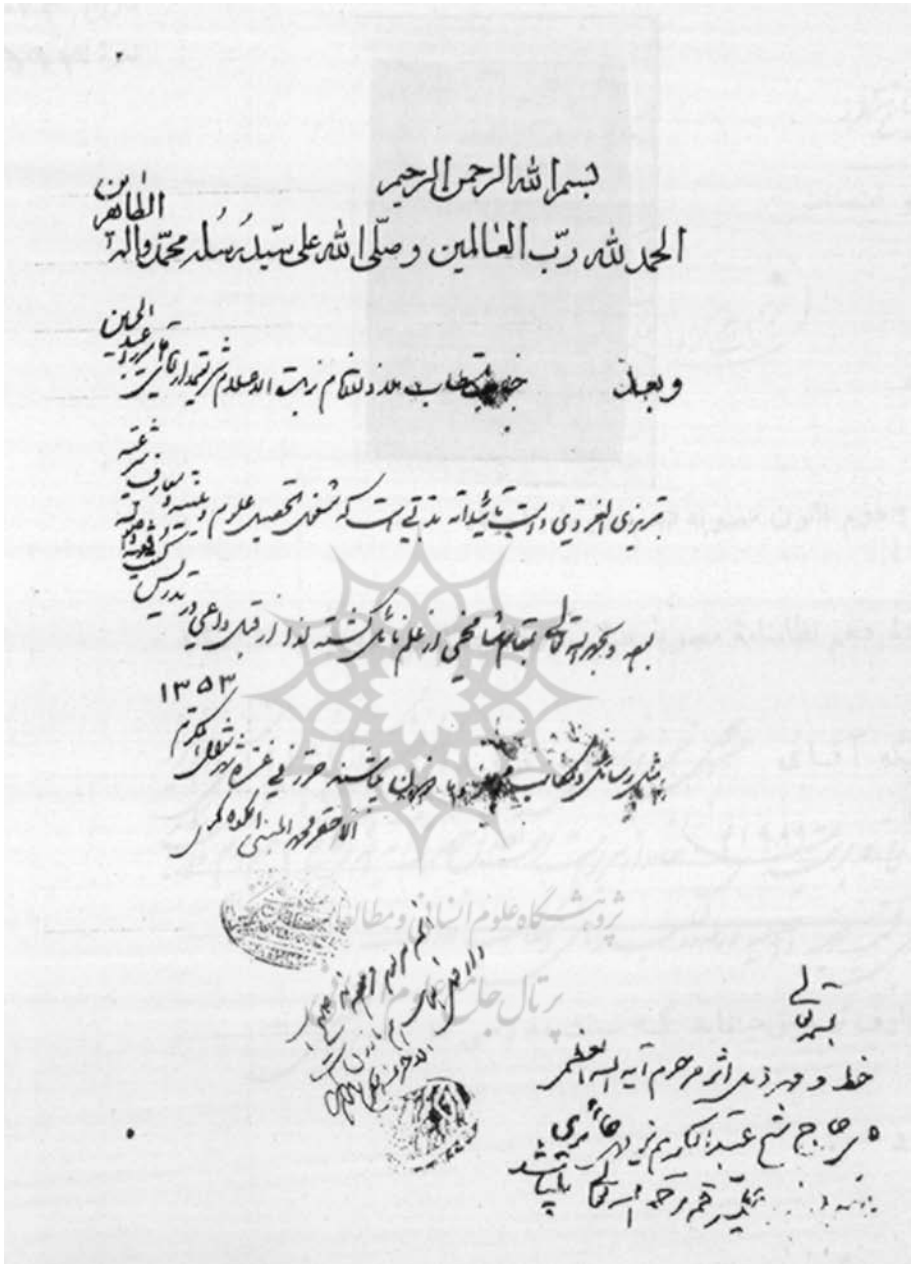
اجازه اجتهاد آیت الله سید محمد حجت به آیت الله غروی

بهر هر دو کوه
 چه خجسته بکشد با لاله‌ها نام و لاله‌ها چشمه‌ها را که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 و در آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 حضرت خاتم النبیین را که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 که در آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 شکیباده و در آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 و از آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 و در آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 و در آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها
 این کتاب منقوش است در روز جمعه در شهر تبریز در روز ششم از ماه رجب سال ۱۲۸۸
 جیده خواننده محمد تقی میرزا در محراب دعا از راه عید و در آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها
 و در آنجا که آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها و آینه‌ها را در آینه‌ها



پیام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

اجازه امور حسبیه آیت الله حجت به آیت الله غروی



اجازة تدریس از آیت الله شیخ عبدالکریم حائری و آیت الله میر محمد حجت به آیت الله غروی

بسم الله الرحمن الرحیم
جناب مستطاب مروج حکام و مظهر شرف انجمن معزز کلمه حسین انزلی

در سیاحت
بروز

بقائه

معرض پندار امید است ابتدا در نظر غایت خاص غرض برسد و رسد

علمی

مصرف و بصیرت و سعادت نوزن پسندید با وی نظر بکلیه نکتت جزا

بهر

در رسیده به روز نمایان اهل علم از جمیع وظائف امید پسندید در معرفت
مردم بزرگین موکول بیانشه و از طریق سنجیده بشود که وضع مادی آنها
محصنین حوزه علمیه تبریز در قضیه و سخن بیانشه که لازم است جناب
با جمعی از علماء اعلام و می رو کسبه اخبار در این خصوص می شود و در آنرا
انچه نظر صلاح رسد تقصیر گرفته و با عیب اطلاع و امید طبع نصیم
آنان از حیث کیفیت و کیفیت و نحوه ملاحظه علی شود البته نصیب
با حضرت امامی قاضی دامت برکاته نشر کتب مکتوبه در این خصوص
حیرت و غیبت کامل بمنزول خواهد شد و هر چه زودتر از نتیجه
سنتخیر خواهد فرمود و حضور محترم نمای والد دامت برکاته سلام
و ادعیه صلواتی ابرار نماید و السلام علیکم در قرآن و در آیه

والله اعلم
حکام

۱۳۸۱
۴۲۷



اجازه امور حبیبیه آیت الله سید محسن حکیم به حجت الاسلام انزلی

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵ / پاییز ۱۳۸۸

اجازه‌ی تدریس

آیت الله العظمی حجت کوه‌کمره‌ی رحمه الله در نامه‌ی شریفشان به آیت الله غروی می‌نویسد: «از قبل داعی در تدریس کتب فقهیه و اصولیه مثل رسائل و مکاسب مجاز و مأذون می‌باشند» (۱۳۵۳ قمری = ۱۳۱۲ شمسی)

استاد بزرگ و احیاگر حوزه‌ی علمیه‌ی قم - حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رضوان الله علیه، در ذیل این اجازه نامه مکتوب داشته‌اند: «آن چه مرقوم فرموده‌اند صحیح است و از قبل این جانب هم مأذون است».

میراث فقهی

بازمانده‌ها از نگارنده‌های آیت الله غروی رحمه الله، دو دسته‌اند: بخشی یادداشت‌های تفسیری، روایی و تاریخی است. و بخشی تقریرات فقهی و اصولی از درس‌های استاد بزرگوارش حجت کوه‌کمری است که خود درباره‌شان چنین نگاشته است:

«تحریر دروس فقهی سید الفقهاء العظام العلامة آیت الله العظمی رئیس الشیعه و مفتی الشریعة سیدنا فقیه اهل بیت الطهاره و العصمة فی عصره الآقا سید محمد الحجت الكوه کمری التبریزی و ذلك فی ایام اقامتنا فیها (فی قم المقدس) و حضورنا فی مجلس درسه فی [سنه] ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ قمری فی بلدة قم»

تحریرات

۱. رساله فی المعاطاة

۲. رساله فی البیع

۳. رساله فی زوال العین

۴. الکلام فی کیفیة التیمم

۵. رساله فی لولم یتمکن فی التیمم علی الارض

۶. الکلام فی موضوع العلم

۷. الکلام فی وضع الحروف

۸. الکلام فی احکام الوضعیه

انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون

بدرستی که ما نازل کرده ایم قرآن را و ما هر آینه نگهدار او خواهیم بود
(قرآن مجید)

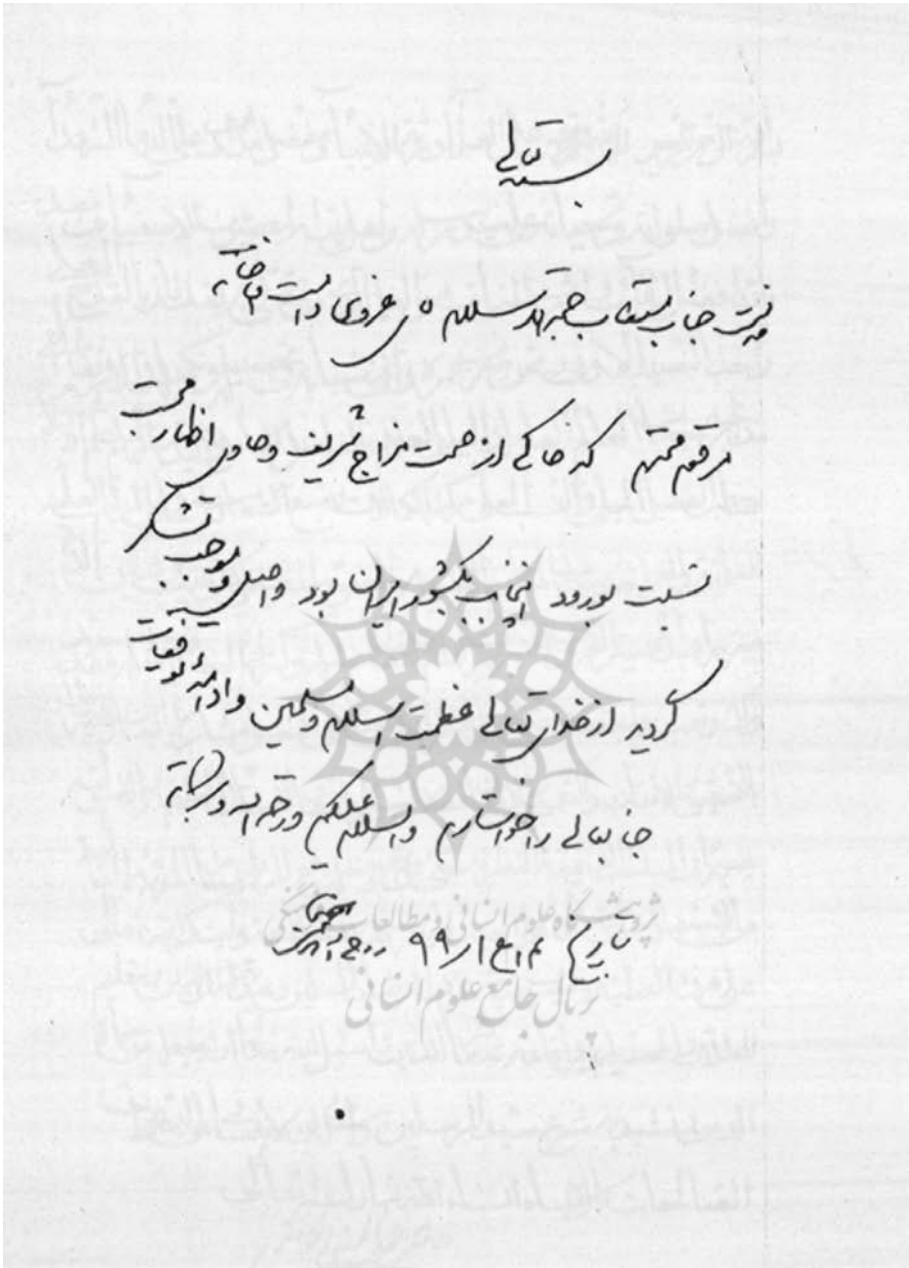
<p>یا علی انت و اصحابک فی الجنة یا علی انت و شیعتک فی الجنة علی شما و پیروان شما در بهشت میباشید شما و شیعیان شما در بهشت قرار دارید (محمد بن عبدالله صلی الله علیه و اله)</p>	<p>الاسلام یعلو ولا یعلی علیه</p>	<p>اسلام بر همه چیز برتری می یابد و چیزی بر او برتری نخواهد یافت. (محمد بن عبدالله صلی الله علیه و اله)</p>
--	-----------------------------------	---



اقل خدمتگذاران دین اسلام که عبدالحسین غروی ابن حجّة الاسلام آقا
شیخ مرتضی ابن العالم العامل المرحوم آقا علی آقا چهره فانی تبریزی
حق طبع و تجدید محفوظ و مخصوص است به مؤلف ❦

بتاریخ ۲۶ شهر شعبان المعظم ۱۳۶۳ - ۲۵ مرداد ۱۳۲۳

چاپخانه رضائی تبریز



پیام بهارستان / ۲۵، ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

نامه امام خمینی به آیت الله عبدالحسین غروی

در عرصه‌ی تابش خورشید انقلاب

در روزگاران سخت حوزه، استاد بزرگ آقای حاج شیخ رحمہ اللہ در خطاب به شاگردانش فرموده بود: «ظالم می‌رود و شما می‌مائید» و این گونه هم شد چه این که، با امدادهای غیبی در سایه‌ی رهبری امام خمینی رضوان الله علیه و جان نثاری جوانان مؤمن و حضور پیوسته‌ی مردم عزیز ایران اسلامی، دوره‌ی طاغوت به سر آمد و دوران دیر پای سلطنت شاهان ستم‌گر در ایران، به پایان رسید و انقلاب اسلامی، سرافراز و نهضت امام، به پیروزی رسید.

مردم آذربایجان نیز شاد از این فتح و پیروزی، در مسیر تحکیم پایگاه‌ها و نهادهای انقلاب، اقداماتی انجام می‌دادند و مرحوم آیت الله غروی در این میان، کسی بود که همه‌ی گروه‌های سیاسی و اجتماعی، قبولش داشتند، از این رو، ایشان در بسیاری از برنامه‌ها و طرح ریزی‌ها حضور داشته نظر نهایی ارائه می‌نمود.

مرحوم حاج شیخ عبدالحسین غروی در کنار فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تدریس در حوزه‌ی علمیه‌ی تبریز و مدرسه‌ی عالی علوم اسلامی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل کلاس درس اخلاق را برنامه کرده و امام جماعت مسجد جامع تبریز بوده، و در غیاب آیت الله ملکوتی نماز جمعه را اقامه می‌فرمود. و در ماه مبارک رمضان منبر می‌رفت و مردم را موعظه می‌کرد.

برجسته‌ترین فعالیت سیاسی مرحوم آیت الله غروی زمانی بود که معظم له به نمایندگی مردم آذربایجان در مجلس خبرگان رهبری در دوره‌ی اول برگزیده شد و چون مصادف شد با رحلت رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی قدس سره و جانشینی حضرت آیت الله خامنه‌ای، ادام الله ظلّه علی رؤوس المسلمین در مقام عظمای ولایت، ایشان چون دیگران، ادای تکلیف نمود.

او که سال ۱۲۸۶ هجری شمسی در جوار قبر مولا امیرمؤمنان علی علیه آلاف التحیة و الثناء ولادت یافته بود و عمری را با پاکی در نفس و صداقت در تحصیل کمالات و معارف قرآن و عترت سپری کرده بود، در چند روز آخر زندگی، غصه‌های دیرین و خستگی ناشی از فعالیت دو دهه‌ی آخر عمر، وجود شریفش را به بستر بیماری انداخت و مشیت الهی، مبنی بر فرمان رجعت این عبد صالح، دیدار دوستان با وی را به قیامت و محضر خویش مقدر فرمود و معظم له، در دهم رجب ۱۴۱۵ [۲۶ آذرماه ۱۳۷۳] به دیار باقی شتافت و روح بلندش در جوار دخت نبی اکرم سیده نساء العالمین آرمید چه این که به وصلت خانوادگی با ذریه‌ی زهرا [دختر آیت الله آقا سید حسن انگجی] افتخار می‌کرد و به دامادی در آستان مقدس صدیق‌ه‌ی طاهره می‌نازید.

جنازه‌ی ایشان به قم منتقل و در مقبره‌ی ۱۲۳ [خوبی‌ها] وادی السلام در جوار والد بزرگوارش آیت الله حاج شیخ مرتضی [چهره‌گانی ف ۱۲ رجب ۱۳۸۱ قمری] به خاک سپرده شد.



حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حسین انزایی

فرهیخته‌ی وعظ و خطابه که دوستان شیفته‌اش و مردم با وفا، دیر زمانی در مکتب معرفت و منبر بلاغت او بارقه‌های حقیقت و حکمت می‌یافتند و عمری حلاوت سخن او را با همه‌ی جان می‌نیوشتند و در آفاق کلامش، اخلاق و عرفان و مراقبه‌ی نفس را با اندیشه‌ی والای الهی می‌آموختند. شهره‌ی شهر آقا میرزا محمد حسین آقا [چهرگانی انزایی] بود که از آغاز ورود به جمع جامعه‌ی مسلمان و اختیار و انتخاب مسئولیت گران قدر وعظ، و رهنمود آحاد مردم در جهت آموزش تعلیمات الهی و تزکیه‌ی نفوس و حکمت آموزی، رسالت خود را تا پایان راه، آن گونه که تقدیر ذات اقدس اله بود،

سرافرازانه به دوش کشید و از منبر ارشاد - این ثمین‌ترین پایگاه تبلیغ و مبارزه برای نشر فرهنگ اسلامی و تبیین معارف دینی و ترویج حکمت شیعی و افشای جریان‌های انحرافی و نگاه داشت، غنای میراث پر ارج و امانت خطیر «ذکر و بیان» باز نایستاد و با حضور مستمر در این عرصه، با کارنامه‌ای روشن در شمار جاودانگان این طریق آمد، چه این که شیوه‌ی خاص او در تبلیغ و نشر معارف اسلامی و نوآوری در روش‌ها در طرح مباحث، راز توفیقی بود که به او موقعیتی ممتاز و جایگاه تاریخی می‌بخشید.

تحصیلات

مقطع ابتدائی را در مدرسه‌ی «العلم» تبریز گذراند و دیپلم علمی را از مدرسه‌ی «صادقیه» اخذ نمود. سپس وارد طالبیه تبریز شد و به کسب دانش دینی و تحصیلات عالیّه پرداخت و از استادان بنام این خطّه [بویژه تبریز] کسب فیض و علم نمود:

ادبیات عرب را از استاد آقا میرزا علی اکبر ادیب اهری
معانی و بیان راه، از حاج میرزا عبدالله مجتهدی
فقه و اصول را از آیت الله دوز دوزانی
فقه (مکاسب) را از آیت الله شهیدی
فلسفه را از آیت الله مستنبط غروی

سه سال اقامت در شهر مقدس قم (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳ هجری شمسی) و کسب فیض از محضر بزرگان بخشی از دوره‌ی تحصیلات تکمیلی ایشان بوده به طوری که پس از تلمذ از محضر حضرت آیت الله العظمی حجت کوه کمری (ف ۱۳۳۲ شمسی) (ره) الله العظمی مرعشی نجفی (ره) به اخذ اجازه‌ی اجتهاد، نایل آمده است برگشت به تبریز و اشتغال به وعظ و خطابه و توفیق دیدار و بهره‌مندی از انفاس قدسیه‌ی علامه‌ی بزرگ، فیلسوف الهی و مفسر کبیر آیت الله العظمی سید محمد حسین طباطبائی، (با معیت فاضل دانشمند مرحوم آقای محمود انصارین) برای درس فلسفه‌ی اسلامی و سپس توفیق حضور در محضر عارف

علامه یعنی آیت الله سید حسن الهی طباطبائی و بهره‌مندی از درس فلسفه‌ی ایشان براساس تدریس متن جوهر التّضید علامه‌ی حلّی، مراحل بعدی تحصیلات ایشان می‌باشد. حضور در مجالس وعظ و خطابه‌ی چهره‌ی فاضل شهر، یعنی رضوان جایگاه واعظ چزندایی فقیه، فیلسوف و آشنایی با فنون خطابه از محضر ایشان، از نعمت‌های الهی بوده که بهره‌مند شده‌اند. در دوره‌های بعدی اجازاتی از مراجع عظام داشته‌اند که شامل کلیه‌ی امور از اخذ و جوهات و عقود و امور حسبه می‌شده از جمله از مرحوم آیت الله العظمی سید محسن حکیم، آیت الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی رحمه الله، آیت الله العظمی امام خمینی رضوان الله علیه و مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه.

انس با بزرگان

تبریز، مهد اندیشمندان و مجمع بزرگان و پایگاه فقیهان و ادیبان نام‌آور بوده است، سال‌ها و دهه‌هایی که مورد بحث و نظر ماست، بزرگوارانی همچون حاج سید ابوالحسن انگجی و فرزندان ایشان و حاج میرزا صادق مجتهد و سلسله‌ی جلیله‌ی مجتهدی‌ها، ثقة‌الاسلامی‌ها [آقا میرزا محمد و ثقة الاسلام شهید و حاج میرزا فتاح] خانواده‌ی قاضی طباطبائی‌ها، شیخ‌الاسلامی‌ها [و پیش‌تر حاج میزا جواد ملکی تبریزی و آقا رضا مقدّس هر دو تربیت یافته‌ی عارف والا و فقیه و حکیم فرزانه مرحوم آخوند ملاحسین قلی همدانی] ملجأ مؤمنین و علاقمندان به معارف اسلامی و اهل بیت عصمت و طهارت بوده‌اند و حجت الاسلام آقای انزایی با ایشان محشور بوده از تشویق و حمایت آنان برخوردار گشته‌اند.

تبلیغ و مبارزه

هفده سال سخنرانی و وعظ و خطابه یعنی از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۲ شمسی، همه سراسر شور حاکی از ابعاد سیاسی دینی بود به طوری که سخنرانی‌های سال‌های ۱۳۲۹ و به بعد ایشان به دنبال مبارزات ملت مسلمان ایران به رهبری مرحوم آیت الله کاشانی، با اهمیت و مورد توجه بود به طوری که پس از کودتای ۲۸ مرداد و استقرار والیان در باری در مسند حاکمیت آذربایجان، موجب پی‌گیری ایشان در تبریز گردیده بود. پس از کودتای ۱۳۳۲، مبارزات سیاسی، سخت و وضع بحرانی و خفقان داشته، اما ادامه می‌یافت و حجت الاسلام انزایی، پیوسته درگیر با اطلاعات شهربانی و سپس سازمان اطلاعات و امنیت کشور [ساواک] بوده است.

پایگاه مبارزاتی

مسجد جامع تبریز، مسجد مقبره، مسجد شازده [شهدا] مسجد صمصام خان، مسجد قلعه بیگی) و مسجد شعبان و نیز تکایای بازار هم چون خرازی‌ها، تیمچه‌های سه‌گانه‌ی حاج شیخ، تیمچه‌ی شیخ کاظم و ... مراکزی بودند که فریاد خطیبان بر اعلام مظلومیت اسلام و مسلمین و هتک حرمت شعایر دینی و هجمه به

جهان اسلام، از فراز منبرشان بلند می‌شد و این ندای قرآنی را مردم متدین تبریز با پیام اخلاقی سیاسی‌اش از زبان آقای انزایی در می‌یافتند که:

لا يُحِبُّ اللهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَ كَانَ اللهُ سَمِيعاً عَلِيماً
[آیه ۱۴۸ سوره نساء]

آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام

شاه، مأمور سر سپرده‌ی امپریالیسم آمریکا، به منظور پیاده کردن رفرم اسارت بار آمریکا، برنامه‌های خود را از دی‌ماه ۱۳۴۱، اعلان نمود و قائد بزرگ اسلام برای مقابله با این سیل بنیان کن استعمار و ارتجاع به پا خاست و مبارزه‌ی جدی و مستقیم را از بهمن ۱۳۴۱، شروع نمود و مشعل نهضت اسلامی را برای همیشه پر فروغ ساخت.

تحلیف برای احیای نهضت

پس از واقعه‌ی غم بار دوم فروردین ماه ۱۳۴۲ شمسی یعنی حمله‌ی دژخیمان پهلوی به مدرسه‌ی مبارکه‌ی فیضیه‌ی قم، حرکت‌های هم سو با مرجع و قم، در تبریز منسجم گردیده توسعه یافت و چون این وقایع همزمان با فرا رسیدن محرم الحرام سال ۱۳۸۳ بود برخی از واعظان انقلابی شهر تبریز در منزل اولین شهید محراب آیت الله قاضی طباطبائی - بنا به دعوت ایشان جمع آمده هم قسم شدند [با جمله‌ی الله عَلَیَّ] که همراه با امام آیت الله العظمی خمینی و هم صدا با ایشان، نهضت را در آذربایجان معرفی نمایند و احیا بیا دارند و آن گونه هم شد به طوری که مبارزه تا اوج می‌گرفت تبریز هم آهنگ با قم و امام بود و چون رهبر به ترکیه و سپس به عراق تبعید گردیدند، فریادها و اعتراض‌ها، هم‌چنان بلند بود و سخن‌رانی‌ها، پیوسته داغ‌تر می‌شد تا این که شب چهاردهم آذرماه ۱۳۴۲ مأموران ساواک که برخی‌شان از تهران وارد تبریز شده بودند در گروه ده نفری شبانه به خانه‌ی آقای انزایی [و بعض دیگر] هجوم آورده با وضع ناگوار یعنی بدون لباس و وسایل لازم، ایشان را ربودند و همان شب با پنج تن دیگر از عالمان بزرگ شهر، به تهران برده به قزل‌قلعه منتقلشان کردند.

سرتیپ معدوم مهرداد رییس ساواک آذربایجان شرقی، از شهریور ماه ۱۳۴۲ در گزارش‌های خود به مرکز تأکید می‌کرد که دست‌گیری گروهی از روحانیون و ایجاد فاصله بین اینان و مردم، شهر تبریز را از پیش آمده‌های احتمالی سیاسی علیه حکومت دور خواهد داشت، لذا در گزارش مفصلی که در ۴۲/۸/۱۳ به اداره‌ی کل سوم ارسال می‌کند، نزدیک شدن ماه رمضان را یکی دیگر از دلایل دست‌گیری‌ها دانسته و با دسته‌بندی روحانی‌ها نوشت که «مصلحت منطقه ایجاب می‌نماید که در درجه‌ی اول، اشخاص مشروح زیر، به وسیله‌ی شهربانی و با پشتیبانی و راه نمایی‌های ساواک، دست‌گیر و به مرکز، اعزام گردند مشروط بر این که حداقل به مدت یک سال از مراجعت آنان به آذربایجان، قویاً، جلوگیری شود:

۱. میرزا محمد علی قاضی طباطبائی

۲. انزایی





انسجام مبارزان

و آن‌گاه که دوره‌ی زندان در قصر و قزل قلعه پایان یافت و مدتی که مجبور به اقامت در شهر تهران بودند سپری گشت به درخواست مردم خوب و وفادار تبریز به وطن مألوف برگشتند، یاران جمع آمده با همه‌ی اختناق که جامعه درگیر آن بود در بعدازظهر جمعه‌ها، در قالب هیئت دینی، در حفظ انقلاب و ندای رهبری هم صدا هم رأی شدند تا هم انقلاب اسلامی را زنده نگه بدارند و هم پیام آن را به جامعه منعکس نمایند.

جا دارد گفته شود که از سال ۴۲ تا ۵۷ شمسی یعنی پانزده سال دوره‌ی مبارزات سنگین برای تداوم خط امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، پایگاه‌های مبارزاتی در تبریز برای آنها که در خط مقدم بوده‌اند از مساجد و سایر مکان‌ها و محفل‌ها، عبارت بوده‌اند از:

مسجد جامع تبریز، مسجد مقبره، مسجد شعبان، مسجد آیت الله شهیدی [واقع در خیابان امام] مسجد شازده [شهدا] قلعه بیگی، مسجد آیت اله خسروشاهی و مسجد آیت الله اشراقی [این دو در اولویت دوم]، بیت مرحوم آیت الله آقا سید حسن انگجی، بیت شهید قاضی طباطبائی، هیئت دینی عصر جمعه‌های حجت الاسلام والمسلمین آقای انزایی، چند سرا و تیمچه در بازار بزرگ تبریز به بهانه‌ی برگزاری مراسم در مناسبت‌های دینی دانشگاه تبریز [از بهار سال ۱۳۴۶ و به بعد].

از همین پایگاه‌ها و مراکز بوده که مردم متدین، تحلیل مسائل انقلاب را در می‌یافتند و به گوش جان می‌سپردند و با اقدامات مقتضی و مناسب، در انتظار پیروزی می‌ماندند.

نظام نامه‌ی سیاسی

در ابتدای پائیز سال ۱۳۴۲، روحانیان آذربایجان با محوریت علمای تبریز، اقدام به تدوین متنی کردند که همچون یک نظام نامه‌ی سیاسی تلقی شد، چرا که نشان دهنده‌ی عملکردهای غیر قانونی نظام شاهنشاهی بوده در آن تاریخ از نهضت و انقلاب، منحصر به فرد می‌نمود به طوری که نظیر آن از ناحیه‌ی پیش‌گامان شهرهای دیگر، صادر نگردید.

متن کامل این نظام نامه‌ی سیاسی:

تاریخ: ۱۳۴۲/۷/۲

متن اعلامیه‌ی جامعه‌ی روحانیت آذربایجان درباره‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

در راه تشیید مبانی اسلام و استقرار حکومت مشروع و قانونی جامعه‌ی روحانیت آذربایجان خود را موظف به اعلام مراتب ذیل به تمام جهانیان می‌داند و در راه تنویر افکار عمومی، اقدامات دولت را در شئون حساس زندگی ملت یعنی در موضوع مذهب، اقتصاد، فرهنگ و دانشگاه، انتخابات مجلسین، سیاست خارجی، سیاست داخلی، حقایق زیر را با کمال صراحت به اطلاع عموم می‌رساند:

۱. اقدامات دولت در موضوع مذهب

اصل ماده ۲۷ متمم قانون اساسی تصریح می‌نماید که استقرار هر نوع قانونی در مملکت موقوف است به عدم مخالفت آن با موازین شرعی و تشخیص این امر را اصل ماده ۲ متمم قانون اساسی صریحاً به عهده مراجع تقلید واگذار و نظریه آنان را مطاع و متبع شناخته است. در برابر دو اصل مذکور که در مورد دفاع از اسلام و حقانیت قوانین اسلامی تنظیم و تدوین گردیده است، اقدامات خلاف قانون دولت عبارت است: پشتیبانی از اشاعه‌دهندگان مراکز فساد و عاملین خلاف ضرورت اسلام و بی‌اعتنایی به تعلیمات و احکام آسمانی و جلوگیری از اصل امر به معروف و نهی از منکر و ممانعت از انتشار نظریات و اعلامیه‌های مراجع مسلم تقلید برخلاف اصل ماده ۲۰ متمم قانون اساسی.

۲. در موضوع اقتصاد

دولت که وظیفه داشته و دارد که از لحاظ اقتصادی رفاه ملی را تأمین نماید و از استقلال اقتصادی مملکت دفاع نماید نه تنها با توسل به سیاستهای مخرب اقتصادی مانند سیاست دروازه‌های بارز نظیر آن عجز خود را در مسأله اقتصاد نشان داده بلکه در اثر همین بی‌کفایتی و بی‌توجهی وضع بازار محضرت و فقدان درآمد عمومی، مملکت را تا پرتگاه اضمحلال اقتصادی کشانده است. حالیه وضع طوری شده که واریت ثروتهای سرشار و صاحب ذخایر قیمتی نفت و محصولات نفتی است، دست‌گدایی به هر اجنبی می‌گشاید و در انتظار وام‌های خارجی که شومترین نفوذ سیاسی اجنبی را به دنبال دارد، دقیقه شماری می‌کند.

۳. در موضوع فرهنگ و دانشگاه

امروز به همه مسلم گردیده است که برنامه فرهنگ و دانشگاه نه جوابده احتیاجات مملکت است و نه با تعالیم اسلامی و حتی نه برنامه‌های ملل مترقی مطابقت دارد و در راه مبارزه با بیسوادی نیز اگر از سخن پراکنیهای بیهوده دولتی صرف‌نظر کنیم، دولت با مقرر داشتن شهریه و یا به عبارت دیگر، با مقرر نمودن مالیات بر تحصیل و در دانشگاه با مقرر کردن مبلغ هنگفت و کمرشکن (۱۰۵۰۰) فرزندان ملتی را که گفتیم مبتلا به درد خانمانسوز فقر اقتصادی است، از ورود به مدارس و دانشگاه‌ها عملاً ممنوع داشته است.

۴. در موضوع انتخابات مجلسین

بدون شک هیچیک از اعمال خلاف شرع و قانون دولت به اندازهٔ دسایس آن در انتخابات افترض‌آمیز نبوده است در حالی که قاطبهٔ ملت با ابراز کمال انزجار از انتخابات فرمایشی خود را کاملاً کنار کشیده و نقش تماشاچی را ایفا می‌کرد، دولت به نام ملت ستم‌دیدهٔ بی‌دادرس کاندیداهایی که علناً مخالف خود را با فتاوی‌ای مراجع محترم تقلید نشان دادند بر ملت تحمیل نمود و آقای نخست‌وزیر بنا به عادت همیشگی در مقابل آرای مأخوذه در تبریز (وکیل ۲۲۸۳ رأی - وکیل آخر ۱۲۲۲ رأی) کیهان شماره ۶۰۴۸ مورخه ۴۲/۶/۲۸) بالصراحه اعلام نمود که گویا کمی آراء در اثر مصادف شدن انتخابات با فصل خرمن دهقانان و به بی‌یلاق کردن ایلات و عشایر بوده (کیهان شماره ۶۰۴۶ مورخه ۴۲/۶/۲۶) ولی اعتصابات عمومی بازارها و اصناف، ابزار تفرهای طبقات مختلف مردم و احکام تحریم مراجع تقلید و بالاخره عدم وجود ایلات و

عشایر را در شهر فراموش نموده که متجاوز از سیصد هزار نفر جمعیت دومین شهر ایران تنها دو هزار و خرده‌ای از ترس توقیف حقوق، انفسال خدمت، اجبار سازمانهای پلیسی رأی داده و در سایر شهرستانها نیز همین قانون اجرا می‌شد، ولی معلوم نیست این وکلای بی‌موکل به چه نحو خود را و کیل قاطبه ملت خواهند نامید. به عبارت واضحتر، دولت در مسأله انتخابات یعنی حیاتی‌ترین مسأله ملت بی‌شرمی را به جایی رسانده که از برملا شدن این آمارهای ضد و نقیض در رفراندوم و انتخابات نیز هیچگونه شمی ندارد. علی‌هذا جهانیان باید بدانند که مصوبات این مجلس از نظر ملت ایران دارای هیچگونه ارزش و اعتباری نبوده و نیست و نیز امضاء کنندگان اعلامیه حقوق بشر بدانند که ملت ستمدیده و رشید ایران از این همه همکاری و سکوت آنان کمال انزجار را داشته و دولتهای بزرگی که در برابر خواسته‌های مردم از افراد ضد دینی و ملی حمایت می‌کنند، با دیده تنفر نگریسته و روحانیت نیز از طرف ملت بدین وسیله کمال تنفر خود را اظهار می‌دارد.

۵. در زمینه سیاست خارجی

معلوم است دولتی که هیچگونه ریشه‌ای حتی در میان ملت خود ندارد، چگونه می‌تواند در بین دول دیگر وجهه و اعتباری داشته باشد. محافل بین‌المللی امروزه به مملکت ما به نظر مستعمره‌ای که طلای سیاهش را به رایگان از دست می‌دهد و در عوض فقر و اسارت دریافت می‌دارد، نگاه می‌کنند. امروزه همه می‌دانند که بیگانگان صنایع نفتی ما را در ید قدرت دارند و در واقع خون و شیریه حیاتی ملت را بیرحمانه می‌کنند. آیا نه این است که دولت مسئول این یغماگری ثروت عظیم ملی است؟ کیست که نداند این انتخابات فرمایشی نیز به همین منظور یعنی تاراج بیشتر ثروتهای بیکران و عظیم نفتی ما صورت نگرفته است؟ کیست که نداند همین مجلسین دوره بیست و یکم برای صحه گذاشتن به قراردادها و تعهدات و اعمال خلاف قانونی که تا امروز صورت گرفته از طرف دولت خلق نگردیده است؟

۶. در زمینه سیاست داخلی

اختناق و فشارها و عدم آزادی بیان و قلم و صدها تضییقات دیگر موضوعهایی هستند که ملت مبارز ایران با آنها آشناست و راه مبارزه خود را با این همه ستمها و حق‌کشیها، به خوبی می‌شناسد، فقط در این مورد، مخاطب جامعه روحانیت آذربایجان ملل مترقی جهان عموماً و ملت‌های مسلمان خصوصاً می‌باشد.

ما با صدای رسا به سمع تمام جهانیان می‌رسانیم که ملت ستمدیده ایران در زیر این همه فشارها، حبس و تبعیدها، شکنجه‌ها و کشتارها دیگر به ستوده آمده است.

مبارزات شجاعانه ملت ایران تعطیل چهار روز اخیر مردم آذربایجان، انعکاسی از صدای ملت ستم کشیده‌ای است که در زیر ضربات بیرحمانه دولت غیرقانونی فعلی به قیمت جان و مال و هستی خود مبارزه می‌کند.

ملت ایران امروز با توجه به فرامین رهبران دینی و ملتی مخصوصاً حضرت آیت الله العظمی خمینی مدظله و سایر آیات و حجج الاسلام و اساتید دانشگاه است، با تمام قوا خود را برای ادب کردن عناصر ناپاکی که به حریم مقدس اسلام و حاکمیت ملی ایران اسائه ادب نموده‌اند، آماده کرده است و به همین

عناایات خاصه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و در تحت لوای آزادیبخش مراجع محترم تقلید تا تحقق تمام آمال دینی و ملی این نهضت مقدس ادامه خواهد داشت و بطور قطع پیروزی نهایی از آن ملت خواهد بود.

حسن الحسینی انگجی - سید محمد بادکوبه‌ای - ابوالقاسم گری گری - احمد اهری - محمد علی قاضی طباطبایی - سید احمد خسروشاهی - سید مرتضی مستبیط غروی - عبدالله مجتهدی سرابی - عبدالحسین غروی - سید محمد علی انگجی - جعفر اشراقی - محسن شریبانی - محمد غروی توتونچی - محمود الموسوی الخلیجی - عبدالحمید شریبانی - سید یوسف الهاشمی - حسن شریعت الانقی - حسین گوگانی - سید مهدی دروازه‌ای - سید محسن دهخوارقانی - حسن ناصرزاده - محمد حسین انزایی - ولی الله اشراقی - سید کاظم شبستری

از طرف علمای آذر شهر: حسن رسول - حسین طباطبایی - علیقلی آذرشهری

از طرف علمای مرند: علی اکبر المرندی - الحاج سید خلیل الحسینی و امضای جمع دیگر.

وقایع و رخدادهای فروردین ۱۳۴۲ که در واقع، سرنوشت مبارزات رهایی‌بخش و ضد استعماری ملت ایران را تعیین می‌کرد، امام را حل با رهبری دایمانه‌اش، مشی آن را به درستی ترسیم نمود - واقعه فیضیه که رخ داد منجر به پانزده خرداد ۴۲ یعنی حمله‌ی وحشیانه‌ی رژیم شاه به سنگر روحانیت و خفه کردن خروش زارعین و رزمین جماران شد و در ادامه‌ی این جنایت‌ها، آدم دزدها در شهرها دست به آدم ربایی زده روحانیان مبارز و گویندگان اسلامی را دست‌گیر و به زندان‌ها، گسیل داشتند و چون در تبریز پی‌گیری اهداف مبارزاتی امام راه حل، اوج گرفت طولی نکشید که بزرگان تبریز یعنی آیت الله قاضی طباطبایی، حاج سیداحمد خسروشاهی، حاج سیدمهدی دروازه‌ای، حاج میرزا حسن ناصرزاده و حاج شیخ محمد حسین انزایی، شبانه دست‌گیر و به زندان قزل قلعه‌ی تهران، انتقال داده شدند.

۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، سال‌های زندان، تهدید و تعقیب ساواک و محدودیت رفت و آمدها و سفرها و ممنوع المنبر بودن حجت الاسلام حاج شیخ محمد حسین انزایی است اما با همه‌ی این ناراحتی‌ها، مردم مسلمان و متعهد تهران و تبریز، هیچگاه ایشان را تنها نگذاشتند و با دعوت به جلسات و فراهم آوردن زمینه برای سخنرانی در قالب تفسیر و طرح مسائل شرعی، غیور مردان و زنان این خطه، با همه‌ی تهدیدها که متوجهشان می‌شد سنگر مبارزه و پایدارای راه، استوار داشتند.

به بیان دیگر، در دهه‌ی چهل و پنجاهم، حرکت سیاسی علمای دین و گروه‌های متشکل مذهبی دینی، با ماهیت نهضت اسلامی به پیشوائی امام خمینی رحمه الله بود که در سراسر کشور یعنی تهران، شیراز، اصفهان و مشهد هر کدام به نوعی از پشتوانه‌ی قوی برخوردار بود. اما در تبریز زیر نظر شهید آیت الله قاضی طباطبایی، سازمانی زیرزمینی با عضویت هفت نفر از جمله حاج میرزا محمد حسین انزایی، سیاست کلی را طرح و تدوین می‌نمودند و آن‌گاه با تکیه بر یاران مؤمن زمین‌ها را در جامعه فراهم نموده توانستند قیام پانزده خرداد را تا ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۶ بر پا دارند به گونه‌ای که در سال آخر این پانزده سال یعنی دوره‌ی آتش زیر خاکستر، به تصدیق بزرگان، دو شخصیت در تبریز قهرمان، در صف مقدم جبهه‌ی مبارزه

قرار داشتند و با تدبیر مینایی این دو، حرکت‌ها، منسجم و مواضع تبیین می‌شد و واقعه‌ی ۲۹ بهمن ۵۶ تبریز که کمر پهلوی دوم و رژیم سلطنتی را شکست و زمینه‌ی پیروزی نهضت را در کشور فراهم نمود به پشتوانه‌ی تدبیرها و سیاست‌هایی بود که یاران امام و انقلاب، در این منطقه داشته‌اند.

باری، تاریخ دگرگون شد و انقلابی که از درون ریشه گرفته بود در پهنه‌ی کشور ایران شکوفا شد و به ثبوت رسید یعنی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام، به پیروزی رسیده جان‌ها، نشاط یافت و عرصه، نوگشت و حجت الاسلام والمسلمین انزایی وارد مرحله‌ی بعدی از جهاد و مبارزه شد و بدین دو، فعالیت‌ها در شأن و در خور نظام نوپای اسلامی و حفظ مناسبت‌ها و اقتضاها، شکل تازه یافت:

- تشکیل و تقویت کمیته‌های انقلاب اسلامی و تشکیل شورای مرکزی کمیته‌ها، که با سفر حضرت آیت الله مهدوی کنی و حضرت آیت الله امامی کاشانی به تبریز مسئولیت شورای مرکزی کمیته‌ها، به حضرت آقای انزایی واگذار شد.

- حضور در مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده‌ی مردم تبریز و اسکو و آذرشهر در دوره‌های یکم و دوم و سوم.

- حضور مکرر در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس

- اقدام و پی‌گیری طرح‌های زیر بنایی تا انجام درصد بالا هم چون ناوگان ترابری شهری پروژه‌ی گاز شهری. تأمین آب تبریز و شهرستان‌های مسیر از زرینه رود، بزرگراه‌ها، طرح تفصیلی تبریز و ایجاد شهرک‌ها و توسعه و تقویت صنایع مادر

- حضور در دفتر مقام معظم رهبری به عنوان رابط رهبری با ائمه‌ی جمعه و پاسخ‌گویی به مسائل شرعی

- سفرهای مفید به خارج از کشور در دوره‌های نمایندگی مجلس در قالب هیأت‌های پارلمانی به پاکستان، سری لانکا، روم و اتریش و امضای تفاهم نامه‌های فرهنگی.

- تألیف و تدوین ده جلد مجموعه خطابه‌ها.

و تقدیر آخر، ضعف و ناتوانی ناشی از خستگی پنجاه سال تبلیغ و وعظ، مبارزه و جهاد در راه اسلام و امت مسلمان و سه سال کسالت جسمی و روحی و رحلت ایشان، روز دوشنبه سوم شعبان ۱۴۲۰ برابر با بیست دی ماه ۱۳۷۸.

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة جزیة بجمه بسم هر صاع کوزه محمد حسین انزایی در

از طرف بنام مبارک در صدر هر صاع و قدر وجه شریف و صرف آن در مهر و در

سهم مبارک لام علیه السلام مبارک نصف آنرا در مهر صرف در معارف دین و در

شرفیت معده نمایند و نصف دیگر را جهت صرف در حوضه کار معده و علم نزد

اینجا رسال بنام اولیه با اولی بلف الصالح من مرهه لا حدط

و تجب عن امور و اسلام علیه و مع خونا المؤمن و در هر و کلامه

۹۹
۲۵
شعبان

پیام بهارستان / ۲۵، ۲۰، ۲، ش ۵ / پائیز ۱۳۸۸

اجازه امور حسبه امام خمینی به حجت الاسلام انزایی

۵۷
 فدت حاجیه بیهوشه که در خطبہ ششم از امام خمینی (ره) در روز ۱۰
 بهمن ۱۳۶۸ مکتوب جناب که صادر شد و در آن خطبہ
 صریحاً بعد از آنکه گردید و چون جهل راه شد که جواب
 مکتوب را در آنند صریحاً بگویم کسی شد که فخر آن
 رفتت آنرا در خطبہ ششم از امام خمینی (ره) صادر شد
 کتب خطبہ ششم از امام خمینی (ره) و در خطبہ ششم
 از روز اول خطبہ ششم در آن خطبہ ششم
 که از ایران برآید شده است و در آن خطبہ
 و در خطبہ ششم از امام خمینی (ره) و در خطبہ ششم
 نیز فخر را بهر دو خطبہ ششم از امام خمینی (ره) و در خطبہ ششم
 اجماع فرموده است

نامه امام خمینی (قدس سره) به حجت الاسلام انزلی